

تحلیل تطبیقی جایگاه اصل آزادی اراده در انعقاد قراردادهای بین‌المللی با تأکید بر تأثیر تحولات

فناوری اطلاعات بر ارکان تشکیل قرارداد

شبنم پیرحیاتی *

۱- کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد صفادشت، استان تهران، ایران.

(داوطلب دکتری حقوق خصوصی)

چکیده

اصل آزادی اراده به‌عنوان هسته مرکزی و بنیادین حقوق قراردادهای، نقشی تعیین‌کننده در ساختاردهی به روابط خصوصی دارد و همواره عامل مشروعیت و الزام‌آوری توافقات میان افراد تلقی شده است. با این حال، گسترش فناوری اطلاعات و تحول بنیادین در نظام‌های ارتباطی موجب بازتعریف مفاهیم سنتی در فرآیند انعقاد قراردادهای بین‌المللی شده و آزادی اراده را با چالش‌های بی‌سابقه‌ای روبرو ساخته است. این مقاله با رویکردی تطبیقی، سعی دارد ضمن بررسی مبانی نظری اصل آزادی اراده و جایگاه آن در نظام‌های حقوقی ایران، کامن‌لا و اتحادیه اروپا، به تبیین پیچیدگی‌ها و تأثیرات تحولات فناوری‌های نوین اطلاعاتی بر ارکان اساسی تشکیل قرارداد به‌ویژه قصد و رضا، اهلیت و موضوع معین بپردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه اصل آزادی اراده کماکان در قالب قاعده‌ای غالب و مقبول در عمده نظام‌های حقوقی جهان جریان دارد و مبنای اولیه اعتبار و الزام‌آوری هر قرارداد محسوب می‌شود، اما تحولات فناوری اطلاعات به‌ویژه در بستر قراردادهای الکترونیکی و هوشمند، موجب تغییر ماهیت ابراز اراده، تشدید چالش‌های مربوط به احراز صحت و اصالت اراده، بروز مخاطراتی چون اعمال اکراه مجازی و اطلاعات نامتقارن و نهایتاً دشواری‌های فزاینده در پاسداشت توازن میان آزادی و نظم عمومی شده است. در این میان، نظام‌های حقوقی سه‌گانه، هر یک با راهکارهایی از قبیل شفاف‌سازی شرایط انعقاد، توسعه ابزارهای اثبات و احراز اراده دیجیتال، تقویت حمایت‌های اطلاعاتی برای طرف‌های ضعیف و پیش‌بینی قواعد ویژه برای رفع تعارضات بر سر ارکان تشکیل قرارداد، سعی دارند کارآمدی اصل آزادی اراده را در شرایط نوین حفظ کنند. با این همه، مقاله حاضر تأکید دارد که تضمین آزادی اراده در دوران سلطه فناوری اطلاعات صرفاً مبتنی بر پایبندی به مفاهیم کلاسیک کافی نبوده بلکه نیازمند بازخوانی و بازطراحی ساختارهای حقوقی، تقنین مقتضی در راستای همگامی با تحول فناوری و نیز الزام پلتفرم‌ها و نهادهای ارائه‌دهنده خدمات دیجیتال به رعایت شفافیت، بی‌طرفی و مسئولیت‌پذیری در انعقاد قرارداد است. بر این اساس، آینده تضمین اصل آزادی اراده در قلمرو قراردادهای بین‌المللی تا حد زیادی وابسته به بسط آموزش حقوقی فناوری‌محور، توسعه رگولاتوری فراملی و ارتقای قابلیت‌های فناورانه در حوزه احراز و حمایت از اراده طرفین خواهد بود تا بدین‌سان ضمن استفاده حداکثری از قابلیت‌های فناوری اطلاعات، مانع خدشه بر عدالت معاملاتی و حقوق بنیادین افراد گردد.

کلمات کلیدی: آزادی اراده، انعقاد قراردادهای بین‌المللی، فناوری اطلاعات، قرارداد الکترونیکی، قرارداد هوشمند

مقدمه :

اصل آزادی اراده در حقوق قراردادهای، نه تنها به عنوان یک ابزار فنی حقوقی بلکه به مثابه مفهومی عمیق و بنیادین، تاریخ حقوق مدنی و تجارت را در تمامی ادوار تحت تأثیر قرار داده است. این اصل، ریشه در اندیشه فلسفی لیبرالیسم و اصل حاکمیت بر نفس دارد که بر اساس آن، هر فرد این حق را دارد تا درباره وضعیت حقوقی خویش آزادانه تصمیم بگیرد و متعهد شود، مگر آنکه این آزادی با نظم عمومی، اخلاق حسنه یا محدودیت‌های خاص قانونی تعارض یابد. اصل آزادی اراده، از دوران کلاسیک گرفته تا قرون وسطی و سپس تحول عظیم قرن نوزدهم و اوج تفوق قراردادگرایی، همواره به عنوان ستون فکری انعقاد قراردادها و نیز محور برخی از جنجالی‌ترین تحولات نظری و رویه‌ای حقوق قراردادهای مورد توجه بوده است. اهمیت این اصل در حال حاضر، به ویژه در عرصه روابط فراملی و تجارت جهانی که تعامل میان اشخاص حقوقی و حقیقی کشورهای متعدد ایجاب می‌کند نظامی عادلانه، قبل از پیش‌بینی و انعطاف‌پذیر برای تنظیم روابط قراردادی وجود داشته باشد، دوچندان شده است. (وحدتی شبیری و همکاران، ۱۴۰۳)

با ورود به قرن بیست و یکم و شتاب کم‌سابقه پیشرفت‌های فناوری اطلاعات، شاهد دگرگونی‌های اساسی در ماهیت، بستر و شیوه‌های انعقاد قراردادها هستیم. گسترش ارتباطات دیجیتال، ظهور قراردادهای الکترونیکی و بسترسازی برای توسعه قراردادهای هوشمند مبتنی بر فناوری‌های نوین همچون بلاک‌چین و هوش مصنوعی، چشم‌انداز جدیدی را پیش روی حقوق قراردادهای قرار داده است؛ چشم‌اندازی که عناصر سنتی چون بیان اراده، مذاکره، اهلیت و حتی اطمینان به واقعیت و صحت تعهدات را مورد بازاندیشی اساسی قرار داده و پرسش‌هایی بنیادین در باب تحقق یا تحدید اصل آزادی اراده در این سپهر نوین مطرح ساخته است. امروزه دیگر نمی‌توان صرفاً با تکیه بر تعاریف سنتی و بخشنامه‌های حقوق کلاسیک، ماهیت و کارآمدی اراده آزاد را در قراردادهای منعقد بر بستر دیجیتال تحلیل کرد؛ چرا که فناوری اطلاعات مرزهای جغرافیایی و حتی هویتی را درنور دیده و مفهوم اراده مستقل و آگاه را در معرض چالش‌ها و مخاطرات نوپدید و چون اطلاعات نامتقارن، نفوذ الگوریتم‌ها و تصمیم‌سازی‌های پلتفرمی، و امکان وقوع اکراه یا فریب در فضای مجازی قرار داده است. (ناصری، ۱۳۹۹)

امروزه ساختار قراردادهای بین‌المللی تحت تأثیر فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی دچار تحولاتی بنیادین شده است. این تحولات نه تنها سرعت و سهولت ارتباطات را در سطوح جهانی افزایش داده، بلکه منجر به تغییر در الگوهای سنتی تعاملات حقوقی و اقتصادی نیز شده‌اند. قراردادهای برخط، امضای دیجیتال، الگوریتم‌های هوشمند برای تحلیل ریسک و تعیین شرایط قرارداد، همچنین به کارگیری هوش مصنوعی و فناوری دفاتر کل توزیع‌شده (Distributed Ledger) نمونه‌هایی هستند که علاوه بر تغییر شیوه‌های ابراز اراده، برخی مفاهیم کلاسیک همچون اهلیت طرفین، احراز صحت قصد و رضا و حتی تفسیر تعهدات را دگرگون کرده‌اند. با این اوصاف، این سؤال اساسی مطرح می‌شود که اصل آزادی اراده، که شالوده مشروعیت هر قرارداد محسوب می‌شود، چگونه و تا چه میزان می‌تواند به حیات خود در عصر دیجیتال ادامه دهد و یا به ناگزیر دستخوش تعدیل و محدودیت گردد.

مضاف بر این، توسعه تجارت الکترونیک و افزایش اهمیت قراردادهای بین‌المللی در بستر اینترنت، جامعه حقوقی را بر آن داشته تا بازنگری جدی در مبانی نظری و عملی اصل آزادی اراده صورت دهد. سابقه تاریخی بسیاری از روابط تجاری، مبتنی بر اصل مواجهه حضوری و تبادل مستقیم اراده‌ها بوده است، در حالی که امروزه، طرفین قراردادها ممکن است حتی بدون شناخت چهره یکدیگر و

صرفاً با اعتماد به نظام‌های الکترونیکی و زیرساخت‌های پیشرفته تکنولوژیک، توافقاتی عمده و پیچیده تنظیم کنند. لذا تعمیم نظام حقوقی سنتی بر این قبیل روابط، نه تنها می‌تواند ناکارآمد و پر خطر باشد؛ بلکه ممکن است موجبات تضییع حقوق بنیادین طرفین، به ویژه طرف ضعیف‌تر قراردادها را فراهم آورد. در همین راستا، بررسی تطبیقی واکنش‌های مختلف نظام‌های حقوقی در مواجهه با این چرخش مفهومی، اهمیت مضاعفی می‌یابد؛ چرا که می‌تواند راهگشای تدوین قواعد جدید و حتی تحول در هنجارهای بنیادین حقوق قراردادها گردد. (میری و دیگران، ۱۴۰۳)

در این میان، بررسی جایگاه آزادی اراده در حقوق ایران، با در نظر گرفتن ویژگی‌های فقهی و سنتی آن، و نیز مقایسه اجمالی با حقوق انگلستان (کامن‌لا) که رویکردی کاربردمحور و عرفی دارد و دیدگاه‌های نوین اتحادیه اروپا با محوریت حمایتی و تنظیم‌گرایانه، بستری مناسب برای تبیین نقاط قوت، ضعف و تعارضات احتمالی میان این نظام‌ها و همچنین شناخت ظرفیت‌های اصلاح و توسعه اصل آزادی اراده ایجاد می‌کند. این مقایسه تنها زمانی دقیق و سودمند خواهد بود که با رویکردی تحلیلی و توجه به ریزه‌کاری‌های عملیاتی و اجرایی، تأثیر تحولات فناوری اطلاعات بر ارکان و عناصر تشکیل قرارداد، ماهیت جدید اراده و نقش واسطه‌های دیجیتال را شرح و تفسیر نماید.

بر این اساس، هدف اصلی مقاله حاضر، ارائه تصویری تحلیلی، گسترده و تخصصی از روند تحولات اصل آزادی اراده در سایه انقلاب اطلاعاتی و فناوری‌های نوین است؛ به گونه‌ای که بتوان با تکیه بر مبانی حقوقی، یافته‌های عملی و تجربه‌های بین‌المللی، چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو را شناسایی و راه‌حل‌هایی سازگار با مقتضیات عصر دیجیتال ارائه داد. بدین ترتیب، نوشتار حاضر می‌کوشد با تلفیق نظریه و عمل، به پرسش‌های زیر پاسخ دهد که: جایگاه فعلی اصل آزادی اراده در نظام‌های حقوقی ایران، کامن‌لا و اتحادیه اروپا چگونه تعریف می‌شود؟ عناصر اساسی تشکیل قرارداد در بستر فناوری اطلاعات چه تغییراتی داشته‌اند؟ چالش‌های نوظهور برای تحقق آزادی اراده در قراردادهای هوشمند و الکترونیکی چیست؟ و چه راهکارهایی می‌توان برای تداوم کارآمدی و پایداری این اصل اساسی در عصر تسلط فناوری اطلاعات پیشنهاد کرد؟ امید است این واکاوی بتواند روزهایی نو به سوی تدوین قواعد کارآمدتر، عادلانه‌تر و منطبق با الزامات زملنه برای نظام بین‌المللی حقوق قراردادها بگشاید و چارچوبی مناسب برای بحث‌های تخصصی آینده در این حوزه حساس و پرتحول فراهم سازد.

۱.۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکردی کیفی و مبتنی بر روش تحلیلی — تطبیقی انجام شده است. به منظور بررسی جامع و هدفمند جایگاه اصل آزادی اراده در قراردادهای بین‌المللی و واکاوی تأثیر تحولات فناوری اطلاعات بر ارکان تشکیل قرارداد، از مجموعه‌ای از ابزارها و تکنیک‌های پژوهشی تخصصی استفاده شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

ابتدا، با مطالعه اسناد نظری، متون کلاسیک و منابع معتبر فقهی و حقوقی، مبانی تاریخی و فلسفی اصل آزادی اراده و روند تحول آن در اندیشه حقوق قراردادها استخراج گردید. در گام بعد، از روش تطبیقی برای تحلیل ساختار و عملکرد اصل آزادی اراده در سه نظام حقوقی شاخص شامل حقوق ایران (با توجه به ویژگی‌های فقهی و دکتترین داخلی)، حقوق کامن‌لا (با تمرکز بر انگلستان و

ایالات متحده) و نظام حقوقی اتحادیه اروپا (با توجه ویژه به مقررات تنظیم‌گرایانه و اسناد هنجارساز اروپایی) بهره گرفته شد تا نقاط اشتراک، افتراق و ویژگی‌های خاص هر نظام در مواجهه با اصل آزادی اراده تبیین شود.

در بخش دیگر، تأثیر فناوری اطلاعات، با تمرکز بر قراردادهای الکترونیکی و هوشمند، مورد بررسی تفصیلی قرار گرفت. در این مسیر، نه تنها متون حقوقی سنتی، بلکه آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و رویه‌های مربوط به فناوری اطلاعات، اسناد بین‌المللی چون مقررات آنسیترال، دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا (از جمله eIDAS و GDPR) و همچنین رویه‌های قضایی و داوری مورد تحلیل قرار گرفت تا شرایط جدید تشکیل قرارداد و چالش‌های نوظهور مورد ارزیابی واقع شود.

گردآوری داده‌ها عمدتاً مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای (تحلیل منابع فارسی و لاتین، مقالات ژورنالی، قوانین، کنوانسیون‌ها و استانداردهای فناوری و اسناد رسمی) بوده و مطالعات موردی با اشاره به مصادیق خاص قراردادهای دیجیتال و هوشمند جهت روشن‌سازی ابعاد عملی موضوع به کار گرفته شده است. روش تحلیل محتوا و بررسی تطبیقی به هدف کشف ریشه‌های تضاد، ارائه الگوهای حقوقی نوین و شناسایی راهکارهای کارآمد تطبیق یافته با مقتضیات فناوری اطلاعات، بخش اساسی رویکرد پژوهش را تشکیل می‌دهد. در نهایت، با تلفیق یافته‌های حاصله از مطالعات نظری و تطبیقی و بهره‌گیری از تحلیل‌های حقوقی — فنی، پیشنهادها و راهکارهای عملی در زمینه حفظ و توسعه اصل آزادی اراده متناسب با تحولات فناوری ارائه گردیده است تا بدین‌سان، پژوهش ضمن وفاداری به اصالت نظری، با پاسخ به پرسش‌های عملی و ارائه راهکارهای نوآورانه، سهمی اساسی در رفع چالش‌های حقوق قراردادهای در عصر دیجیتال داشته باشد.

۲. مبانی نظری و مفهومی اصل آزادی اراده در حقوق قراردادهای

۲.۱. جایگاه تاریخی و تکامل نظریه آزادی اراده

اصل آزادی اراده، یکی از تأثیرگذارترین مفاهیم در فلسفه حقوق خصوصی و به‌ویژه حقوق قراردادهاست که ریشه‌های آن را باید در سنت‌های حقوق طبیعی و اندیشه‌های اومانیستی جست‌وجو کرد. این اصل، در طول تاریخ از عصر رم با عنوان "pacta sunt servanda" و الزام‌آوری وفای به عهد تا سده‌های میانه و شکوفایی اندیشه فردگرایی در غرب، همواره نماد سلطه اراده فردی بر روابط قراردادی بوده است. در قرون وسطی، ساختار بسته و مبتنی بر تشریفات فئودالی نظام‌های حقوقی، آزادی اراده را محدود به چارچوب‌های خاص می‌کرد. با ظهور رنسانس و سپس در پی انقلاب کبیر فرانسه، موج جدیدی از اندیشه‌های آزادی‌خواهانه بر قواعد حقوقی سایه افکند و اصل آزادی اراده به‌عنوان مبنای مشروعیت‌بخش عقود در اندیشه‌های حقوقی جایگاهی اساسی یافت. آموزه قراردادگرایی (Contractualism) اعلام می‌داشت که حقوق و تعهدات اشخاص نه با الزام بیرونی، بلکه مبتنی بر توافق آزادانه ایشان ایجاد می‌شود. این تحول، علاوه بر ارزش‌گذاری به هویت فردی و استقلال اشخاص، نظام سنتی مبتنی بر دخالت دولت و عرف اجتماعی را به چالش می‌کشید و نوعی برابری اقتصادی و اجتماعی در فرآیند تنظیم قراردادهای را نوید می‌داد. (مرادی، ۱۴۰۰)

۲.۲. مبانی فلسفی و اصول بنیادین آزادی اراده

در نظریه‌های فلسفی، آزادی اراده به معنای توانایی انسان در انتخاب و تصمیم‌گیری بدون اجبار خارجی یا سلب اختیار تعریف شده است. این آموزه ابتدا در آرای متفکرانی چون جان لاک، روسو، و بعدتر ایمانوئل کانت ظهور یافت و باور به عقلانیت و استقلال ذاتی انسان را به ستون معرفتی حقوق قراردادهای تبدیل نمود. بر این اساس، هر فرد در روابط خصوصی خود، اهلیت سنجش منافع، خطرات، و آثار تعهدات احتمالی را دارد و می‌تواند براساس اراده خویش، منشاء اثر حقوقی گردد. مطابق این طرز تلقی، توافق آزادانه اشخاص نه تنها به اصل الزام‌آور بودن قراردادهای مشروعیت حقوقی می‌بخشد، بلکه کاملاً مستقل از ملاحظات حکومتی یا اخلاقی نیز هست؛ البته مادامی که این آزادی در تعارض با نظم عمومی یا اخلاق حسنه قرار نگیرد. (مخترع و همکاران، ۱۴۰۱)

۲.۳. عناصر و مؤلفه‌های بنیادین آزادی اراده

آزادی اراده در حقوق قراردادهای، متکی به دو عنصر اساسی است: آزادی در انعقاد قرارداد (freedom to contract) و آزادی در تعیین مفاد قرارداد (freedom of contract terms). عنصر نخست ناظر بر این است که هیچ کس را نمی‌توان به انعقاد قرارداد خاصی ناگزیر ساخت یا از آن بازداشت، مگر با دلایل محکم و موجه. بنابراین اصل، هر گاه فردی قصد ایجاد، تغییر یا زوال حق تعهدی را داشته باشد، نظام حقوقی موظف است از تحقق آزادانه این اراده حمایت نماید. عنصر دوم بر این فرض استوار است که طرفین قرارداد مختارند شرایط و ضوابط تعهدات خود را آزادانه و مطابق با ترجیحات و منافع شخصی‌شان تعیین کنند، مگر اینکه قانونگذار به دلایل برتر همچون حمایت از منافع عمومی یا جلوگیری از سوءاستفاده، محدودیت‌هایی وضع کرده باشد.

۲.۴. تحول مفهوم آزادی اراده در پارادایم‌های حقوقی معاصر

با توسعه نظریات اقتصادی و اجتماعی در سده‌های اخیر، ایده آزادی مطلق اراده مورد نقد جدی قرار گرفت. پیشرفت‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی حقوقی نشان داد صرف آزادی ظاهری بدون حمایت‌های ساختاری و اطلاعاتی، به ویژه در قراردادهای جهانی و نامتقارن، می‌تواند به سوءاستفاده از طرف ضعیف‌تر یا بی‌اطلاع‌تر منجر شود. در این بستر، مفهوم آزادی اراده در حقوق معاصر دستخوش تحولاتی شد و بر ضرورت تحقق اراده آگاه و مطلع، همچنین حمایت از اراده‌های ضعیف یا آسیب‌پذیر در برابر فشارهای قراردادی و اطلاعات نامتقارن تأکید بیشتری صورت گرفت. بر همین مبنا، امروز علاوه بر بی‌اعتباری اجبار و اکراه مستقیم، وجود شفافیت اطلاعات، قابلیت مقایسه انتخاب‌ها، و فراهم‌سازی زیرساخت‌های حمایتی، به عناصر سازنده مفهوم آزادی اراده بدل شده‌اند.

۲.۵. مرز میان آزادی اراده و نظم عمومی

اگرچه اصل آزادی اراده مبنای اساسی صحت قراردادهای محسوب می‌گردد، اما نظام‌های حقوقی همواره تلاش کرده‌اند توازن میان آزادی فردی و مصالح اجتماعی را برقرار سازند. در این راستا، قوانین ناظر بر نظم عمومی و اخلاق حسنه، همچون محدودیت انعقاد قرارداد در زمینه‌های مضر به سلامت، امنیت و اقتصاد ملی، نقش ایجاد تعادل میان منافع خصوصی و امنیت عمومی را ایفا می‌کنند.

در واقع، هیچ‌گاه آزادی قراردادی به معنای مطلقاش پذیرفته نشده و مقنن با پیش‌بینی قیود و شروط خاص از ابزارهای محدودسازی این اصل بهره برده است تا ضمن حمایت از بنیان قراردادی، از لطمه به منافع برتر اجتماعی و جلوگیری از اعمال فشار، فریب یا اجحاف جلوگیری کند.

۲.۶. ضرورت بسط تحلیل نظری در عصر اطلاعات

در عصر حاضر که فناوری اطلاعات ساختار و محتوای قراردادها را به شدت متحول ساخته است، بازخوانی مبانی نظری اصل آزادی اراده اهمیتی دوچندان یافته است. تأکید یک‌سویه بر آزادی اراده بدون لحاظ الزامات جدید ناشی از تحولات دیجیتالی، منجر به ضعف حمایت از طرفین کم‌برخوردار یا بالقوه متضرر می‌شود. بنابراین، تجدیدنظر در عرصه مفهومی و تحقق عملی این اصل، در پرتو آموزه‌های علوم داده، جهانی‌سازی بازارها و گسترش قراردادهای برخط، پیش‌شرط بازتعریف نظام ضمانت، سازوکار احراز و حمایت حقوقی از اراده طرفین در روابط قراردادی قرن بیست‌ویکم است. در مجموع، اصل آزادی اراده همچنان زیربنای مشروعیت و الزام‌آوری قراردادهاست، اما پویایی‌ها و لطایف این اصل در بستر تحولات نوین اجتماعی و فناوری، ایجاب می‌کند که تحلیل آن از مرزهای مفهومی کلاسیک فراتر رود و مبانی فلسفی، تاریخی، عوامل اجتماعی و الزامات حقوقی نوظهور در شکل‌دهی و تحول این اصل مورد توجه عمیق قرار گیرد. لذا بخش بعدی مقاله به بررسی تطبیقی جایگاه اصل آزادی اراده در نظام‌های ایران، کامن‌لا و اتحادیه اروپا پرداخته و جلوه‌های عملی و چالش‌های آن را در بستر تحولات جهانی کنونی به بحث خواهد گذاشت. (مختاری چهاربری و همکاران، ۱۳۹۹)

۳. جایگاه آزادی اراده در نظام‌های حقوقی مختلف (مطالعه تطبیقی: حقوق ایران، کامن‌لا و اتحادیه اروپا)

اصل آزادی اراده، گرچه به عنوان الگویی کلی برای اعتبار و مشروعیت قراردادها شناخته می‌شود، در هریک از نظام‌های حقوقی با تفسیرها و مرزبندی‌های خاص خود مواجه شده که بازتابی از شرایط اجتماعی، فرهنگی و فلسفه حقوقی هر نظام است. واکاوی تطبیقی این اصل در سه حوزه حقوقی مهم یعنی ایران، نظام کامن‌لا (انگلستان و آمریکا) و اتحادیه اروپا، دریچه‌ای به تفاوت‌ها و اشتراکات نگرش‌ها گشوده و امکان شناخت دقیق‌تر نقاط قوت و چالش‌های کنونی را فراهم می‌سازد. این بخش در قالب زیربخش‌های مبسوط به بررسی مصداقی، تفصیلی و تحلیلی این موضوع خواهد پرداخت:

۳.۱. جایگاه آزادی اراده در حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران، اصل آزادی اراده جایگاهی بنیادین دارد و یکی از بارزترین جلوه‌های آن را می‌توان در ماده ۱۰ قانون مدنی مشاهده کرد که «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آنها را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است.» این ماده، اصل آزادی قراردادی را در قالب قاعده «اصالةالعقد» - که ریشه در فقه امامیه دارد - به رسمیت شناخته و به

طرفین قرارداد اجازه داده در قلمرو اراده خود تمامی شروط و تعهدات را به گونه دلخواه تعیین کنند، مشروط بر آنکه مخالف صریح قانون، نظم عمومی یا اخلاق حسنه نباشد.

روند تکوین این اصل در حقوق ایران به شدت از آموزه‌های شریعت اسلامی متأثر است. در فقه امامیه، معامله و قرارداد ناشی از اراده آزاد طرفین است و ارکان اصلی تشکیل عقد را ایجاب و قبول (بیان اراده) و اهلیت طرفین تشکیل می‌دهد. با این حال، باید توجه داشت که در فقه و حقوق ایران، محدودیت‌هایی برای تضمین مصلحت عمومی و جلوگیری از بروز مظالم یا غرر نیز پیش‌بینی شده است؛ چنانکه ممنوعیت معاملات ربوی، غرری و نامشروع، یا بطلان شروط خلاف شرع به‌عنوان قیود بر آزادی اراده قابل ذکرند.

در عمل، رویه قضایی ایران ضمن تأکید بر اصل آزادی اراده، بر لزوم احراز قصد و رضا به معنای واقعی آن و نیز برخورداری طرفین از اهلیت قانونی تأکید می‌ورزد؛ اما همزمان حمایت از طرف ضعیف - خصوصاً در قراردادهای کارگر و کارفرما، مصرف‌کننده و تولیدکننده یا مستأجر و موجر - باعث شده مقنن و دادگاه‌ها در موارد خاص، قرارداد را «تحت قیمومیت نظم عمومی» قرار دهند. با این وجود، تمایل غالب حقوق ایران به حمایت از اصل آزادی قراردادی، به ویژه در معاملات خصوصی و تجاری است و قانونگذار صرفاً در موارد استثنایی و مهم، مداخله و تحدید این آزادی می‌نماید. (محمدی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۰)

۳.۲. آزادی اراده در نظام حقوقی کامن‌لا (انگلستان و ایالات متحده امریکا)

در نظام حقوقی کامن‌لا، اصل آزادی اراده و آزادی قراردادهای از قرون هفدهم و هجدهم، به ویژه پس از دگرگونی‌های انقلاب صنعتی، پایه‌گذار قانون‌مندی روابط اقتصادی و تجاری گردید. تا اواخر قرن نوزدهم، گفته می‌شد که قرارداد تنها بر اساس توافق طرفین معتبر است و دادگاه‌ها وظیفه‌ای جز تفسیر اراده صریح طرفین ندارند. با این حال، تکامل نگرش‌های اقتصادی و اجتماعی، الزاماتی را به ویژه در قرن بیستم به نظام کامن‌لا تحمیل کرد که «انعطاف» و «انصاف» را ضرورت بخشید.

در کامن‌لا، برخلاف نظام‌های حقوقی نوشته، قراردادهای معمولاً نیازی به تشریفات خاص قانونی ندارند و توافق شفاهی یا حتی ضمنی طرفین، اصلی شایان اهمیت است. با این حال، اصل انصاف (Equity) و دکترین‌هایی چون «عدم اعمال شروط غیرمنصفانه»، «حمایت از مصرف‌کننده»، «دکترین قراردادی فشار» (Undue Influence)، «اکراه» (Duress) و «عدم توازن آشکار قدرت» (Inequality of Bargaining Power) باعث شده‌اند که محاکم بتوانند در موارد خاص، قرارداد را ناعادلانه تشخیص دهند یا حتی آن را ابطال کنند. سرمایه‌گذاری‌های عظیم اقتصادی و ظهور شرکت‌های چندملیتی که قادر به تحمیل شروط یک‌جانبه به مشتریان و مصرف‌کنندگان بودند، ضرورت حمایت از طرف ضعیف در قراردادهای جمعی (Adhesion Contracts) را به‌وجود آورد. برای مثال، در موارد بسیاری، دادگاه‌های انگلستان و ایالات متحده با تفسیر مضیق شروط قراردادی، به دفاع از حقوق طرف ضعیف یا مصرف‌کننده پرداخته‌اند، حتی اگر ظاهراً اراده آزاد ابراز شده باشد.

در مجموع، اگرچه آزادی اراده در قلب نظام کامن‌لا قرار دارد، اما این آزادی در بستر انصاف و رویه قضایی نرمش‌پذیر شده و در شرایط خاصی تحت شمول مقررات حمایتی قرار می‌گیرد. انعطاف‌پذیری حقوقی و تأکید بر عدالت معاملاتی، ویژگی شاخص نگرش انگلوساکسون به این اصل محسوب می‌گردد. (محمدی و همکاران، ۱۳۹۴)

۳.۳. آزادی اراده در حقوق اتحادیه اروپا

حقوق اتحادیه اروپا به ویژه در دوران متاخر، با پذیرش اصل آزادی اراده از یک سو و شناسایی نیاز به حمایت از طرفین ضعیف از سوی دیگر، تلاش داشته تا موازنه ای میان این دو برقرار سازد. در اسناد مهم منطقه ای از جمله اصول حقوق قراردادهای اروپایی (Principles of European Contract Law - PECL) و بعدها در مجموعه قواعد حقوق قراردادهای اروپا (Draft Common Frame of Reference - DCFR)، آزادی قراردادی به رسمیت شناخته شده، اما همزمان قیود و محدودیت های روشنی نیز در نظر گرفته شده است.

حقوق اروپایی، در پرتو تجربه های حاصل از بحران های اقتصادی، رشد مصرف گرایی و چالش های مربوط به اطلاعات نامتقارن، بر شاخص هایی چون شفافیت، اطلاع رسانی کافی و منع شروط ناعادلانه (Unfair Terms) به شدت تأکید می کند. در حوزه حقوق مصرف کننده، مقررات صریحی برای بطلان شروط یک جانبه یا غیرمنصفانه در قراردادهای پیش بینی شده؛ به گونه ای که آزادی قراردادی مطلقاً مقدس شمرده نشده بلکه تابع رعایت منافع عمومی، تضمین شفافیت و حمایت اثربخش طرف ضعیف تر شده است. در بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه، دادگاه ها مجازند چنانچه شرط یا مفادی از قرارداد موجب عدم توازن اساسی حقوق و تعهدات گردد، نسبت به ابطال یا تعدیل آن اقدام نمایند. علاوه بر این، الزامات شدید اطلاعات دهی، مهلت های خنثی سازی قرارداد (Cooling-off periods) و حق بر فسخ یک جانبه در شرایط معین، جملگی نشانه هایی از تعادل جدید آزادی اراده و مقررات حمایتی در قالب حقوق اتحادیه اروپا تلقی می شود. (قنوتی و همکاران، ۱۳۹۹)

****جدول ۱: مقایسه اصل آزادی اراده در نظام های حقوقی منتخب (ایران، کامن لا، اتحادیه اروپا)****

مؤلفه / نظام حقوقی	حقوق ایران (با ریشه فقهی)	کامن لا (انگلستان و آمریکا)	اتحادیه اروپا (رویکرد تنظیم گرایانه)
مبنای نظری	حاکمیت اراده + نظارت شرع	آزادی قرارداد + عرف قضایی	آزادی قرارداد + حمایت از طرف ضعیف
شرط صحت اراده	قصد و رضا، نبود اکراه	Intention + Free Consent	Informed Consent + شفافیت اطلاعات
حدود و استثنائات	نظم عمومی، اخلاق حسنه	Public Policy, Statute	Consumer Protection, Data Rules
ابزارهای مدرن حمایتی	محدود (در حال توسعه)	توسعه قواعد قرارداد الکترونیک	قوانین GDPR، دستورالعمل پلتفرم ها
چالش های ممتاز	ضعف اثبات دیجیتال	قراردادهای Adhesion، ضعف شفافیت	تعارض مقررات ملی و اتحادیه

۳.۴. تحلیل تطبیقی و جمع‌بندی

تجزیه و تحلیل تطبیقی سه نظام عمده حقوقی نشان می‌دهد که اگرچه اصل آزادی اراده، همواره به عنوان زیربنای اساسی حقوق قراردادهای باقی مانده و مشروعیت قراردادهای را تضمین می‌کند، اما هر یک از این نظام‌ها در تعیین حدود عملی این آزادی، سیاست‌ها و ابزارهای متفاوتی را برگزیده‌اند. در ایران، ریشه‌های فقهی و اخلاقی، نوع خاصی از توازن میان آزادی و نظم عمومی را شکل داده است. در کامن‌لا، انعطاف و انصاف قضایی به ابزاری برای تعدیل آزادی اراده بدل شده است. در حقوق اتحادیه اروپا، گرایش رو به رشد به حمایت از مصرف‌کننده و شفافیت اطلاعات در کنار تعهد به احترام به آزادی طرفین مشهود است. در هر سه نظام، قرارداد نه فرآیندی کاملاً آزاد و رها، بلکه محصولی از برهم‌کنش دایمی میان اراده دو سوی معامله و ملاحظات منافع عمومی است.

با توجه به تحولات فناوری اطلاعات و گسترش قراردادهای آنلاین، برخط و هوشمند، چالش‌های جدی‌تری درباره تحقق اصل آزادی اراده، احراز قصد و رضایت آگاهانه، و ضمانت اجرای حمایت‌های طرف ضعیف مطرح شده که در هر یک از این نظام‌ها راهکارهای خاص خود را می‌طلبد. در نتیجه، اصل آزادی اراده ضمن باقی‌ماندن به عنوان اصول غیرقابل اغماض حقوق قراردادهای، در واقعیت ترکیبی از آزادی عمل و نظارت ساختارمند و حمایت‌گرایی را به نمایش می‌گذارد؛ مجموعه‌ای پویا که متناسب با تحولات اجتماعی، اقتصادی و فناوری، مدام در حال بازتعریف و تعدیل است. (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۱)

۴. ارکان تشکیل قرارداد و نقش اصل آزادی اراده در انعقاد آن‌ها

۴.۱. مقدمه‌ای بر جایگاه ارکان قراردادهای در حقوق تطبیقی

در حقوق خصوصی، قرارداد تنها زمانی به عنوان یک پدیده حقوقی معتبر محسوب می‌شود که ارکان اساسی تشکیل‌دهنده آن به شکل مطلق و غیرقابل تردید تحقق یافته باشد. این ارکان که غالباً در دکترین‌های حقوقی چهارگانه تعریف می‌شوند، شامل: قصد و رضا (اراده)، اهلیت طرفین، موضوع معین و جهت مشروع هستند. شکل‌گیری این ارکان نه تنها ساختار بنیادین هر قرارداد را مشخص می‌سازد؛ بلکه از حیث نظری، بازتاب‌دهنده تأکید حقوقی بر اراده واقعی و آزاد افراد به عنوان جوهره مشروعیت توافقات حقوقی است. اهمیت ویژه آزادی اراده در میان این ارکان، ناشی از آن است که هیچ‌یک از عناصر دیگر نمی‌تواند در فقدان آن، موجب اعتبار یک قرارداد گردد.

۴.۲. نقش بنیادین «قصد» و «رضا» در سازوکار تحقق قرارداد

«قصد» در حقوق قراردادهای نمایانگر نیت ذهنی و باطنی هر یک از طرفین برای ایجاد اثر حقوقی از رهگذر توافق است و بدون احراز وجود آن، نمی‌توان هیچ عقدی را معتبر دانست. «رضا» به عنوان جنبه عینی و ابراز بیرونی همین نیت، سازوکار تحقق و ظهور اراده آزاد در عالم خارج است. این دو عنصر، در مجموع، تضمین‌کننده ویژگی تعهدزا و الزام‌آور بودن توافق هستند. تفکیک و تداخل «قصد» و «رضا» خصوصاً در رویه قضایی و دکترین‌های حقوق تطبیقی مورد توجه واقع شده است. در بسیاری از نظام‌های حقوقی،

برای مثال اگر اکراه، اجبار، تدلیس یا اشتباه اثر قابل ملاحظه‌ای بر قصد یا رضا داشته باشد، اصل آزادی اراده مخدوش و بالتبع، قرارداد باطل یا قابل ابطال خواهد بود. چنین نگاهی ضامن آن است که پذیرش تعهدات تنها در صورتی مشروع باشد که تمامی شواهد مربوط به آگاهی، اختیار، شفافیت و عدم تعارض با منافع مشروع طرفین احراز گردد.

۴.۳. بررسی اهلیت و نقش اراده آزاد

یکی از دیگر جوارح بنیادین تشکیل قرارداد، وجود «اهلیت» طرفین است. به این بیان که نه تنها باید اراده آزاد و سالم باشد، بلکه شخص قائم به عقد نیز باید واجد شرایط و اقتضائات قانونی برای فهم و سنجش ماهیت تعهدات قراردادی باشد. در فقدان اهلیت، هیچ اراده‌ای معتبر شمرده نمی‌شود و قرارداد یا بی اثر یا قابل ابطال خواهد بود. این نکته در حقوق ایران، کامن‌لا و نظام اتحادیه اروپا نیز محل اجماع است و در بسیاری از موارد حتی اوامر آمره قانونگذار جنبه پیشگیرانه داشته تا افراد فاقد تمایز کافی (مثلاً صغار یا مجبورین) نتوانند مورد سوءاستفاده قرار گیرند. عنصر اراده آزاد در این میان واجد نقش دوگانه است: از یک سو، تحقق اراده آزاد نشانه بلوغ و اهلیت فرد برای تصمیم‌گیری است؛ و از سوی دیگر، ضمانت اجرایی عدم‌تحدید یا تقیید آزادی ارده توسط عوامل بیرونی (فشار، اغواء، سوءاستفاده از وضعیت ضعف و ...) را فراهم می‌آورد.

۴.۴. موضوع معین و جهت مشروع؛ تبلور اراده آزاد در قالب حقوقی

«موضوع» قرارداد باید معین، قابل تعیین و مشروع باشد؛ این اصل مانع از آن است که آزادی اراده به ابزاری برای ایجاد عناوین و تعهدات غیرقانونی یا برخلاف نظم عمومی بدل شود. «جهت» نیز به معنای هدف یا جهت‌گیری کلی عقد، مقوم اعتبار آن به شمار می‌رود. در حقوق بسیاری از کشورها، اراده طرفین تا جایی محترم است که موضوع و هدف قرارداد، آشکارا خلاف قانون یا اخلاق عمومی نباشد. این محدودیت‌ها به مثابه حریم‌های نظام حقوقی بر سر راه قدرت تعیین‌کننده آزادی اراده عمل می‌کنند و توافقات خارج از این حوزه‌ها را بی اعتبار می‌سازند.

۴.۵. چالش‌های تحقق عینی اصل آزادی اراده؛ از عیوب اراده تا قراردادهای پیچیده

در حوزه عمل، اصل آزادی اراده به صور گوناگون در معرض تهدید قرار می‌گیرد. عیوب اراده نظیر اکراه، اجبار، تدلیس، اشتباه و سوءاستفاده از جهل یا وضعیت اضطرار اقتصادی، از مهم‌ترین عواملی هستند که شأن و جایگاه اصل آزادی اراده را مخدوش می‌کنند. معاهدات بین‌المللی نیز بر اهمیت شفافیت کامل، رفع فریب یا اجبار و حمایت از آگاهی طرفین اصرار دارند. تحلیل رویه قضایی، به‌ویژه در پرونده‌های قراردادهای برخط (online contracts)، قراردادهای نمونه‌ای (adhesion contracts) و معاملات پیچیده فرامرزی نشان می‌دهد که چنانچه یکی از طرفین بدون اطلاع کافی یا تحت فشار، متعهد گردد، اصل آزادی اراده به‌درستی محقق نشده و مشروعیت حقوقی قرارداد محل تردید جدی خواهد بود.

۴.۶. نمود آزادی اراده در قراردادهای بین المللی و تحولات فناوری اطلاعات

جهانی شدن تجارت و توسعه قراردادهای بین المللی مبتنی بر فناوری اطلاعات (IT-Driven Contracts)، به شکل قابل توجهی سطح و کیفیت تحقق اصل آزادی اراده را متحول ساخته است. در قراردادهای فضای مجازی، به واسطه فاصله مکانی، عدم رویارویی مستقیم و اتکاء به اسناد و داده های دیجیتال، احراز قصد و رضا و تحقق اراده آزاد حالت ژرف تر و فنی تر به خود گرفته است. چالش های ناشی از هوش مصنوعی در تولید محتوای قراردادی، وجود واسطه های دیجیتال، فرآیندهای خودکار (مانند قراردادهای هوشمند یا Smart Contracts) و حتی استفاده از الگوریتم های پیشنهاددهنده، همگی امکان انحراف یا تضعیف اراده آزاد و بی اطلاعی طرفین را افزایش داده اند. در مواجهه با این تحولات، اکثر نظام های حقوقی به ویژه در اتحادیه اروپا و ایالات متحده، مقررات و ابزارهای حمایتی جدیدی را برای تضمین شفافیت فرآیند انعقاد، شناسایی صحت و اصالت اعلام اراده، امکان بازنگری یا ابطال قراردادهای ناقض اراده آزاد و همچنین حق فسخ قرارداد در بازه زمانی معین، پیش بینی نموده اند.

۴.۷. نقش تضمین کننده اصل آزادی اراده در حفظ منافع و توازن روابط

آزادی اراده نه تنها بنیان صحت قرارداد است، بلکه اصلی تضمین کننده تعادل روابط حقوقی و اقتصادی نیز تلقی می گردد. وجود این اصل، طرفین را قادر می سازد تا مطابق نیازها، توانمندی ها و منافع مشروع خود وارد تعهدات گردند و از هرگونه تحمیل غیرموجه، اجبار دولتی یا اقتصادی، و سوءاستفاده رهایی یابند. در عرصه قراردادهای بین المللی، آزادی اراده ضمن ایجاد اطمینان خاطر برای سرمایه گذاران و بازرگانان، زمینه رقابت سالم، نوآوری در تنظیم شروط و پویایی معاملات را توسعه داده و موجب ارتقاء امنیت حقوقی می شود.

۴.۸. تحلیل نهایی: اراده آزاد، جوهره تکامل حقوق قراردادها

در جمع بندی، می توان گفت که تحقق حقیقی اصل آزادی اراده در ارکان تشکیل قرارداد، فقط به منزله یک شرط اولیه یا شکلی تلقی نمی شود؛ بلکه نقطه آغاز و پایان هر نظام حقوق قراردادهاست. هرگونه کوتاهی یا انحراف از این اصل نه فقط ارزش حقوقی قرارداد، بلکه مشروعیت اخلاقی، امنیت روابط و حتی اعتبار نظم حقوقی را در معرض مخاطره قرار می دهد. تطورات جدید در فضای معاملات دیجیتال، پیچیدگی های قراردادهای بین المللی، تحرک سرمایه و پیدایش ابزارهای جدید تکنولوژیک، همه و همه بر لزوم بازنگری، پالایش مقررات حمایتی و تفسیر نوآورانه اصل آزادی اراده دلالت دارند. این اصل، به تعبیر دقیق تر، همواره مرکز ثقل پویایی و تکامل حقوق قرارداد باقی خواهد ماند؛ از کلاسیک ترین قالبها تا پیشرفته ترین قراردادهای هوشمند مبتنی بر فناوری های روز، هر جا اراده آزاد اصل و آگاه حضور نیافته باشد، هویت قرارداد و ارزش حقوقی آن در هاله ای از تردید قرار می گیرد. (عراقی و همکاران، ۱۳۹۴)

****جدول ۲: تأثیر فناوری اطلاعات بر ارکان و عناصر تشکیل قرارداد****

رکن قرارداد	وضعیت سنتی	تحولات فناوری	چالش های نوین ناشی از فناوری IT
قصد و رضا	ابراز کتبی/شفاهی، حضور	امضای دیجیتال، تأیید برخط	احراز هویت، اکراه مجازی، فریب الگوریتمی
اهلیت	بررسی حضوری، مدارک رسمی	ثبت نام آنلاین، شناسایی مجازی	جعل هویت، ضعف کنترل سن/صلاحیت
موضوع معین	عموماً شفاف و مشخص	کالا/خدمت دیجیتال، رمزار	ابهام موضوع، دارایی های داده ای
مشروعیت/قانونی بودن	مطابقت با مقررات داخلی	انطباق با قوانین کشور ثالث/پلتفرم	تعیین قانون حاکم، تضاد مقررات ملی و فراملی
ابزار اثبات	شهادت، سند کاغذی	داده های دیجیتال، بلاک چین	تغییرپذیری داده، ایراد به اصالت امضای دیجیتال

۵. تحولات فناوری اطلاعات و تأثیر آن بر قراردادهای بین المللی (با تمرکز بر قراردادهای الکترونیکی)

تحولات شگرف فناوری اطلاعات در دهه های اخیر، نه تنها ساختار صنایع، تجارت و مؤسسات مالی را دگرگون ساخته، بلکه ماهیت بنیادین قراردادهای حقوقی و به ویژه سازوکارهای انعقاد قراردادهای بین المللی را نیز با تحولی عمیق مواجه نموده است. پیدایش اینترنت، گسترش شبکه های ارتباطی، نرم افزارها و الگوریتم های هوشمند، و ظهور بسترهای تعاملی برخط، موجبات شکل گیری نسلی نوین از قراردادها را فراهم آورده است که ویژگی های ماهوی و شکلی آن ها با قالب سنتی قرارداد کاملاً متفاوت است. این دسته از قراردادها که عمدتاً با عناوینی همچون قرارداد الکترونیکی، قرارداد برخط و قرارداد هوشمند شناخته می شوند، رابطه حقوقی را در فضای دیجیتال و بدون ضرورت حضور فیزیکی یا هم زمانی اراده های طرفین شکل می دهند و بر مولفه هایی جدید در تحلیل ارکان و آثار حقوقی آن ها استوار شده اند.

در قراردادهای الکترونیکی، تعامل طرفین دیگر الزاماً مبتنی بر ملاقات حضوری و تعامل رو در رو نیست، بلکه تبادل اراده غالباً از طریق فرم های دیجیتال، ارسال داده های رمزنگاری شده، بهره گیری از امضاهای الکترونیکی و پذیرش شروط از راه بسترهایی از قبیل ایمیل، پلتفرم های معاملاتی آنلاین یا نرم افزارهای میانجی صورت می پذیرد. این فرایندها موجب گردیده است که عنصر زمان و مکان - که در قراردادهای سنتی نقش کلیدی در تعیین محل و زمان انعقاد و اثبات آن داشتند - به نوعی ماهیت خود را از دست داده و جای خود را به قراردادهایی فاقد محدودیت جغرافیایی و مبتنی بر «حضور مجازی» طرفین داده باشد. اکنون، انعقاد قرارداد ممکن است صرفاً با کلیک بر یک گزینه دیجیتال، یا تأیید محتوا از طریق پیامک یا رمز پویا و حتی بر اساس فرآیندهای کاملاً خودکار در بستر زنجیره بلوک (Blockchain) تحقق یابد، به گونه ای که تشخیص و اثبات اراده، عملاً مستلزم تحلیل و ارزیابی پیچیده داده های رایانه ای خواهد بود. (سیمایی صراف و همکاران، ۱۳۹۶)

در این بستر مدرن، مفهوم ابراز اراده دستخوش تغییرات ژرف شده است. دیگر صحت و کفایت انعقاد قرارداد فقط مبتنی بر مواجهه مستقیم و گفتگوهای مکتوب یا شفاهی نیست، بلکه اراده ممکن است توسط الگوریتم‌های هوشمند، ربات‌های گفتگو، یا «قراردادهای هوشمند» (Smart Contracts) که بدون مداخله انسانی و بر مبنای شروط از پیش تعیین شده مبادله می‌شوند، ابراز گردد. از سوی دیگر، فناوری اطلاعات زمینه فعالیت بازیگران متعددی را فراهم نموده است: شخص حقیقی یا حقوقی طرف قرارداد، پلتفرم واسطه، ارائه‌دهندگان خدمات پرداخت، و حتی واسطه‌های هوشمند هوش مصنوعی. چنین زنجیره پیچیده‌ای، مسئولیت‌های جدیدی در شناخت و اعتبارسنجی صحت اراده، احراز هویت طرفین، و تعیین مرجع واقعی رضایت ایجاد کرده است؛ به‌ویژه زمانی که بعضی از عناصر فرایند انعقاد با تعامل انسانی به‌صورت ناقص یا اساساً حذف دخالت انسانی انجام می‌پذیرد.

مسئله احراز هویت و اعتبار اراده در فضای مجازی، یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی حقوق قراردادهای بین‌المللی معاصر است. امضای الکترونیکی، که در بسیاری از نظام‌های حقوقی به رسمیت شناخته شده، خود ابرازی پیچیده، با سطوح مختلف امنیت و شناسایی است و بسته به سطح فناوری، اعتبار و امنیت آن متغیر است. برخی امضاها صرفاً مبتنی بر یک کلیک ساده بوده، حال آنکه انواع پیشرفته‌تر و رمزگذاری شده، ظرفیت اثباتی بسیار بالاتری دارند. قوانین نوین، از جمله مقررات اروپایی (مانند eIDAS) و قوانین مدل آنسیترال، تلاش نموده‌اند استانداردهایی برای تفکیک و پذیرش انواع امضای الکترونیکی و شناسایی هویت طرفین تدوین نمایند، اما اختلافات اساسی و عدم همسویی یکپارچه بین حوزه‌های قضایی، مشکلات عدیده‌ای برای استناد، اثبات و اجرای تعهدات پدید آورده است.

همزمان با این تحولات، مفاهیم سنتی قصد و رضا نیز زیر سایه فناوری اطلاعات قرار گرفته‌اند. قراردادهای دیجیتال اغلب بر اساس شرایط از پیش تعیین شده (Terms Conditions) منعقد می‌شوند و طرف ضعیف (مثلاً مصرف‌کننده) معمولاً فقط پذیرای شروط است و عملاً فاقد نقش واقعی در مذاکره یا تغییر محتواست. این وضعیت، چالش‌های نوینی در حوزه آزادی اراده به وجود آورده و سبب شده مراجع قانونگذار و محاکم به اشکال مختلف به حمایت از رضایت آگاهانه و اصل شفافیت پرداخته و یا حتی برخی شروط ناعادلانه را غیرقابل استناد بدانند. از دیگر سو، ظهور الگوریتم‌های تصمیم‌گیرنده و هوش مصنوعی که قدرت تحلیل داده‌ها و ارائه پیشنهادها یا حتی ایجاد قرارداد را بدون مداخله کاربر دارند، ماهیت اراده «آگاهانه» را در معرض تهدید قرار داده است. بسیاری از معاملات آنلاین، بر بستر «قراردادهای چسبنده» (Adhesion Contracts) انجام می‌شوند که اراده حقیقی طرف ضعیف در آن‌ها صرفاً صوری است، و این امر به‌ویژه در مقیاس جهانی با تفاوت قوانین حمایتی در سیستم‌های ملی، به سردرگمی و پیچیدگی‌های حقوقی می‌انجامد. (سعیدی و همکاران، ۲۰۲۵)

از سوی دیگر، فناوری اطلاعات در مواردی با ارتقای شفافیت، سرعت و کاهش هزینه‌های مبادلاتی، زمینه رشدی جدید برای تحقق اراده آزاد فراهم نموده است. امکان دسترسی سریع و گسترده به اطلاعات، فرصت مقایسه و انتخاب مطلوب‌تر شرایط قرارداد را به افراد ارائه می‌دهد و می‌تواند مانع سوءاستفاده و اطلاعات ناقص عمدی باشد. در بسیاری از حوزه‌های BYB، بر بسترهای امن و مبتنی بر اعتماد، قراردادهای پیچیده ظرف چند دقیقه و با تضمین اصالت و صحت داده‌ها به انجام می‌رسد و این روند، فرایند بوروکراتیک و کند سابق را متحول ساخته است.

با این وجود، خطرات و آسیب‌های فناوری اطلاعات بر اعتبار و مصونیت اراده قابل انکار نیست. افشای داده‌های شخصی، ردیابی کاربران، تحلیل رفتار خرید و استفاده از روان‌شناسی دیجیتال برای اثرگذاری بر تصمیمات کاربران، همگی می‌توانند ظرفیت سوءاستفاده از آزادی قراردادی را گسترش دهند. نمونه‌های آشکار این موضوع، تحریک روانی کاربران به پذیرش سریع شروط از طریق طراحی‌های فریبنده (Dark Patterns) یا پیچیدگی فرآیندهای خروج از قرارداد است که موجبات تردید جدی در واقعی و آزاد بودن اراده برخی از طرفین را فراهم ساخته است. (سرخه و همکاران، ۱۴۰۳)

توسعه قراردادهای هوشمند مبتنی بر فناوری بلاک‌چین یکی دیگر از عرصه‌هایی است که مرزهای تحلیل سنتی اراده، قصد، و حتی تعهدات قراردادی را جابه‌جا کرده است. در این نوع قراردادها، توافقات نه صرفاً به‌صورت داده متنی، بلکه در قالب کدهای خوداجرا (Self-executing Codes) پیاده‌سازی شده‌اند و عملکرد آن‌ها، بسته به شرایط محقق‌شونده، به طور خودکار فعال می‌گردد. این فناوری امکان تقویت شفافیت و کاهش ریسک اجرانشدن تعهدات را فراهم نموده اما در عین حال، پیچیدگی‌های فنی، دشواری در تفسیر اراده طرفین، غیرقابل‌انعطاف بودن اصلاح شرایط پس از اتوماسیون و حتی فقدان مرجع حل اختلاف به شکل سنتی، منجر به چالش‌هایی بی‌سابقه در تحلیل حقوقی آزادی اراده در این حوزه شده است.

نکته دیگر، بین‌المللی بودن اغلب قراردادهای الکترونیکی و در نتیجه، ضرورت توجه به تنوع سیستم‌های حقوقی، فرهنگ‌های معاملاتی و تفاوت‌های مقررات حفاظتی و حمایتی است. همین مسئله ممکن است در تعیین قاعده حل تعارض، صلاحیت محاکم و اجرای احکام، دشواری‌هایی جدی بیافریند. بسیاری از اسناد بین‌المللی، همچون کنوانسیون سازمان ملل درباره استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی (UNCITRAL)، تلاش کرده‌اند بسترهایی برای یکپارچه‌سازی استانداردهای اعتبار، اثبات، و قابلیت استناد اراده در فضای دیجیتال ارائه دهند، هرچند اجرای این مقررات در کشورهای مختلف همچنان با تفاوت‌های فراوان روبه‌رو است.

در مجموع، تحولات فناوری اطلاعات نه به مفهوم حذف اصل آزادی اراده و نه صرفاً تقویت بی‌قید آن، بلکه به معنای بازتعریف، نوسازی و تطبیق این اصل با الزامات جدید فضای مجازی و محیط‌های فرامرزی است. تحقق واقعی آزادی اراده در قراردادهای الکترونیکی نیازمند ادغام مقررات حمایتی نوین، تضمین شفافیت، توسعه آموزش حقوق دیجیتال و اتخاذ راهبردهای حقوقی خلاقانه برای پاسداری از هویت، اختیار و رضایت آگاهانه طرفین است؛ چرا که بدون چنین سازوکاری، تمامی ظرفیت‌های مثبت فناوری نیز ممکن است ابزار سلطه، فریب یا نقض حقوق بنیادی باشد و فلسفه وجودی آزادی اراده را دستخوش آسیب اساسی نماید. (خندانی و همکاران، ۱۳۹۸)

۶. چالش‌های نوین اصل آزادی اراده در بستر قراردادهای الکترونیکی و هوشمند

ورود قراردادهای الکترونیکی و هوشمند به عرصه مناسبات تجاری، مالی و حقوقی در محیط بین‌المللی، نه تنها فرصت‌هایی نوین برای تسهیل روابط، شفافیت و صرفه‌جویی ایجاد نموده بلکه چالش‌ها و بحران‌هایی عمیق و کم‌سابقه نیز برای تحقق و صیانت از اصل بنیادین آزادی اراده به همراه داشته است؛ چالش‌هایی که مرزهای اندیشه و عمل حقوقی سنتی را پشت سر گذاشته و ضرورت نگاه چندلایه، جامع‌نگر و پویا به مفهوم اراده و آزادی در فضای دیجیتال را مطرح می‌سازد. در وهله نخست، مسئله اثبات و احراز

اراده واقعی طرفین و اطمینان از صحت و اصلیت ابراز آن یکی از عمده‌ترین دغدغه‌های نظام‌های حقوقی است. بسترهای غیرحضور، بهره‌گیری از رسانه‌های واسطه، ابزارهای هویتی رمزنگاری‌شده و تنوع مکانیسم‌های پذیرش و امضای دیجیتال، همگی باعث شده‌اند که تشخیص اراده آزاد، فقدان اکراه و غلبه اراده انسان بر فرآیند انعقاد، هرگز ساده و بی‌ابهام نباشد. هنگامی که طرفین معامله، عمدتاً به واسطه تبادل داده‌ها، فشردن یک کلید یا تأیید الگوریتمی وارد تعهد می‌شوند، وضعیت به گونه‌ای رقم می‌خورد که حتی اصول ظاهراً ساده‌ای همچون تبیین صحت قصد و رضا و یا شناسایی مرز میان اراده انسانی و مکانیزم‌های فناورانه دستخوش تغییر می‌شود و اجرای قواعد تثبیت‌شده سنتی، در معرض تفسیرهای چندگانه و حتی ناکارآمدی قرار می‌گیرد.

در سطح دوم، چالش نقصان یا حتی افراط در اطلاعات و آسیب‌های ناشی از سرعت بالای تصمیم‌گیری در بسترهای الکترونیکی است. در حالی که مذاکرات و مبادلات سنتی زمینه‌ای برای کسب آگاهی تدریجی و مذاکره حقیقی فراهم می‌ساخت، بسترهای دیجیتال غالباً با ارائه سیل عظیم داده، فرم‌های نمونه، یا ظاهر ساده و فریبنده صفحات قرارداد، موجب می‌شوند طرفین بدون توجه کافی به الزامات و پیامدها، صرفاً با یک کلیک یا تأیید سریع شرایط را بپذیرند. این پدیده که با اصطلاحاتی نظیر “Dark Pattern” نیز شناخته می‌شود، در بسیاری موارد موجب اعمال فشارهای روانی پنهان و القای پذیرش ناآگاهانه می‌شود؛ به‌ویژه در مواردی که پلتفرم‌های بزرگ یا شرکت‌های قدرتمند، با بهره‌گیری از قدرت اقتصادی و فنی خود، شروط یک‌جانبه یا الگوریتمی را به کاربران تحمیل و هرگونه آزادی انتخاب واقعی را مخدوش می‌کنند. افزون بر این، فقدان یا کثرت بیش از حد داده‌ها اغلب مسیر تصمیم‌گیری منطقی و مستقل را برای طرفین دشوار نموده و در نتیجه، تحقق آزادی اراده به معنای حقیقی، بیشتر به یک شعار تداعی‌کننده تبدیل شده تا یک واقعیت عملی و حقوقی. (خامی‌زاده، ۱۳۸۵)

در بخشی دیگر، فناوری قراردادهای هوشمند که مبتنی بر برنامه‌نویسی، کدگذاری و قابلیت اجرای خودکار به محض تحقق شرایط است، مسئله اختیار طرفین برای بازنگری، تغییر یا حتی خروج از قرارداد را تا حد زیادی زیر سؤال می‌برد. برخلاف قراردادهای سنتی که معمولاً امکان مذاکره، اصلاح یا فسخ با توافق طرفین وجود دارد، در قراردادهای هوشمند (Smart Contracts)، تحقق تعهدات اغلب غیرقابل بازگشت، خودکار و بی‌نیاز از اراده مجدد است. این ویژگی، اگرچه موجب تسریع، کاهش هزینه‌های اجرایی و کاهش احتمال نقض عهد می‌شود، اما همزمان، اصل آزادی اراده را به یک انتخاب اولیه و یک‌باره محدود ساخته و عملاً هرگونه اراده جدید در مراحل بعدی انعقاد یا اجرای قرارداد را بی‌اثر می‌کند. تصور قراردادهایی که بدون دخالت مستقیم انسان و صرفاً به واسطه کدهای غیرقابل تغییر منعقد و اجرا می‌شود، پرسش‌هایی جدی در مورد امکان خروج داوطلبانه، رفع اشتباهات، تطبیق با شرایط جدید و احقاق عدالت حقوقی به ذهن متبادر می‌سازد.

یکی دیگر از بحران‌های بنیادین، بهره‌گیری پلتفرم‌های بزرگ از قدرت بازار برای اعمال شروط یکنواخت، نمونه و غالب است. امروزه در بسیاری از قراردادهای الکترونیکی، نه تنها شفافیت محتوای قرارداد ناقص است بلکه ساختارهای نمونه‌ای و قالبی (Adhesion Contracts)، عرصه مذاکره و تحقق اراده آزاد را چنان محدود نموده‌اند که عملاً مصرف‌کننده یا طرف ضعیف فقط گزینه “پذیرش” یا “عدم پذیرش” کل شرایطی را دارد که توسط طرف قدرتمند ارائه شده است؛ شروطی که معمولاً از منظر اقتصادی، فنی و حقوقی به نفع پلتفرم و به ضرر کاربر تنظیم می‌شوند. در این میان، ضعف نظام‌های حقوقی ملی برای کنترل و تحدید شروط نمونه، فقدان نظام هماهنگ بین‌المللی برای حمایت از «مصرف‌کننده جهانی» و نبود دستورالعمل‌های فراگیر جهت تضمین شفافیت و انصاف،

وضعیت دشواری را برای ارتقای آزادی اراده در قراردادهای الکترونیکی رقم زده است. اختلاف کشورها در پذیرش یا اعتبار اسناد الکترونیکی، رویه‌های متناقض در خصوص تشخیص اکراه و ایراد فشار فناورانه یا حتی تردیدها نسبت به اعتبار امضای دیجیتال، زمینه‌ساز پیچیدگی‌های عدیده‌ای گردیده است که تفسیر یکسان و اجرای هماهنگ قواعد "اراده آزاد" را تقریباً ناممکن ساخته است.

در مقام اثبات، قراردادهای الکترونیکی و هوشمند، دشواری‌های مضاعفی را به مراجع حل اختلاف تحمیل کرده‌اند. اثبات اکراه، تدلیس یا حتی نقص آگاهی در زمانی که فقط یک کلیک، رمز تایید یا الگوریتم ثبت‌کننده عمل می‌کند، به مراتب دشوارتر بوده و ابزارهای سنتی استناد و دفاع همچون شهادت، قرائن، مکاتبات یا رونوشت‌های اصیل، کارایی قبلی را ندارند. گاه حتی احراز تعلق واقعی معامله به شخص انسانی به علت احتمال دخالت ربات‌ها، نمایندگان مجازی یا سوءاستفاده از هویت‌های دیجیتال مورد تردید قرار می‌گیرد. در سطوح پیشرفته‌تر، اجرای قراردادهایی که اساساً توسط هوش مصنوعی و بدون مداخله انسانی تدوین و منعقد می‌شوند، وضعیت را بغرنج‌تر ساخته است. هوش مصنوعی با تحلیل کلان‌داده، پیشنهاد خودکار شروط یا حتی پیش‌نویس کامل قرارداد می‌تواند اراده انسانی را تحت تأثیر بگذارد یا حتی آن را جایگزین کند. گاهی سطح پیچیدگی الگوریتم‌ها به نوعی است که حتی شخص مطلع نیز نمی‌تواند جزییات تعهدات را درک کند و این امر با اصل آگاهی و آزادی اراده در تضاد آشکار قرار می‌گیرد. در مواردی، تصمیمات ماشینی «غیرقابل توضیح» یا مبتنی بر الگوهای داده‌ای هستند که کاربر هیچ اطلاعی از ماهیت آن‌ها ندارد و در نتیجه، نه تنها آزادی، بلکه اختیار و فرصت کنترل حقوقی از بین می‌رود. (حقیقت‌پور و همکاران، ۱۴۰۳)

موضوع دیگری که می‌توان به آن اشاره نمود، آسیب‌پذیری طرف ضعیف یا مصرف‌کننده در نبود زیرساخت‌های حمایتی حقوقی است. در حالی که برخی نظام‌های پیشرفته، حمایت‌های مناسبی از کاربران در مسیر معاملات دیجیتال فراهم کرده‌اند، اما در سطح بین‌المللی، نبود وحدت مقررات، اختلاف در معیارهای تشخیص اکراه، تدلیس یا حق فسخ، موجب ناهمگونی و اختلال در صیانت عملی از آزادی اراده شده است. برخی کشورها قراردادهای الکترونیکی را صرفاً در فرمت‌های خاص یا با امضای مشخص معتبر می‌شناسند و برخی دیگر، تفسیر موسع‌تری از ابزارهای ابراز اراده و اثبات آن دارند. این ناهم‌هنگی‌ها خود منشأ تعارض قوانین، کاهش اعتماد عمومی به معاملات بین‌المللی و هراس شرکت‌ها و کاربران از ورود به تعهدات دیجیتال فراملی است.

نکته اساسی دیگر، فقدان تناسب میان سرعت تحول فناوری و واکنش نظام‌های حقوقی است. در حالی که فناوری روزبه‌روز محیط مذاکره، انعقاد و اجرای قرارداد را دگرگون می‌کند، بسیاری از قوانین، مقررات و دکترین‌های حقوقی هنوز بر مبنای مفاهیم سنتی "موضوع، قصد، اهلیت و جهت" تفسیر می‌شوند و توانایی انطباق و پاسخ به چالش‌های پیش‌آمده را ندارند. همین مسأله سبب عقب‌ماندگی حمایت‌های حقوقی در دنیا و زمینه‌ساز ایجاد بحران اعتماد و احساس ناامنی در روابط دیجیتال شده است. در نهایت و به صورت تحلیلی، شاید بتوان گفت چالش‌های مدرن اصل آزادی اراده در قراردادهای الکترونیکی و هوشمند صرفاً معطوف به بسترهای عملی یا شکلی نیست، بلکه بازاندیشی و بازتعریف عمیق مفهوم "آزادی" در پرتو تحولات فناورانه، دگرگونی ماهوی مفاهیم بنیادین حقوق، و ضرورت پاسخگویی پیش‌دستانه دانش حقوق در برابر پیچیدگی‌های عصر هوشمند را ایجاب می‌کند. تنها از رهگذار چنین رویکردی است که نظام‌های حقوقی می‌توانند در کنار بهره‌گیری از فرصت‌های فناوری، از ارزش‌های بنیادین آزادی اراده، تحقق انصاف، حفظ تعادل قراردادی و کرامت انسان در مناسبات نوین صیانت نمایند؛ در غیر این‌صورت، بیم آن می‌رود که

اراده آزاد به عنوان مهمترین و اصیل ترین پایه هر تعهد حقوقی، در هزارتوی پیچیدگی فنی و اقتصادی عصر دیجیتال، هم از حیث نظری و هم از منظر عملی، گرفتار تزلزل و ابهام فزاینده شود. (حشمتی و همکاران، ۱۴۰۲)

۷. بررسی تطبیقی راهکارهای حقوقی برای حفظ و تعدیل اصل آزادی اراده در پرتو فناوری اطلاعات

در دوران معاصر، با رشد پرشتاب فناوری اطلاعات و توسعه ابزارهای دیجیتال در روابط قراردادی، نظام‌های حقوقی اندیشمند و پویا با چالشی اساسی در راستای حفظ، تعدیل، و بازآفرینی اصل آزادی اراده مواجه شده‌اند. ضرورت انطباق قواعد سنتی با شرایط جدید، سبب گردیده رویکردهای خلاقانه، گوناگون و چندلایه نسبت به ابعاد مختلف اراده، تضمین اصالت آن، حمایت از طرف‌های ضعیف و شناسایی یا محدود ساختن قدرت طرف برتر در محیط دیجیتال اتخاذ گردد. در این راستا، مطالعه تطبیقی می‌تواند افق‌های روشنی برای تبیین ظرفیت‌ها و کاستی‌های ساختارهای داخلی ارائه کرده و زمینه بهره‌برداری از بهترین تجربیات جهانی را مهیا سازد.

ایران

در نظام حقوقی ایران، آزادی اراده عمدتاً مبنای اعتبار قراردادهای و از ارکان اصلی اصل لزوم شناخته می‌شود. با وجود پیشینه سنتی و نسبتاً محافظه کار در مواجهه با نوآوری‌های حقوق فناوری، طی دهه گذشته رویکردی تدریجی اما مستمر برای نظام‌مند کردن روابط قراردادی الکترونیکی اتخاذ شده است. تصویب «قانون تجارت الکترونیکی» و شناسایی اعتبار اسناد و امضای الکترونیکی گامی مهم در راستای پاسخ به نیازهای معاملات آنلاین به شمار می‌رود. تلاش گردیده معیارهایی همچون «قابلیت نسبت داده شدن» داده پیام، اصالت ابراز اراده در محیط دیجیتال و امکان اثبات الکترونیکی شروط قراردادی در رویه و نظریه حقوقی لحاظ گردد. با این حال، خلاءهایی همچون ضعف ساختارهای حمایت از مصرف‌کننده در قراردادهای الکترونیکی، نبود رژیم جبرانی کامل برای شرایط عدم شفافیت اراده، و تا اندازه‌ای غفلت از روابط برخط و قراردادهای نمونه یا از پیش تعیین شده، همچنان پابرجا است. بدین ترتیب ضرورت دارد قانونگذار ایرانی با الهام از تجارب فراملی، ساختارهای حمایتی نظیر الزام به شفاف‌سازی شرایط، پیش‌بینی دوره‌های بازنگری، امکان فسخ دیجیتال و حمایت موثر از اراده ناقص را بیش از پیش گسترش دهد.

کامن‌لا

در نظام کامن‌لا (به ویژه ایالات متحده و بریتانیا)، نقطه تمرکز نه تنها بر حفظ آزادی اراده بلکه بر استقرار توازن و انصاف میان طرفین است. با توجه به اصل اصالت اراده (Intention to Be Bound) و نظام اثبات قوی، پویایی چشمگیری در حمایت از کاربران پدید آمده است. در معاملات B²C (کسب‌وکار به مصرف‌کننده) و B²B (کسب‌وکار به کسب‌وکار) تمایز آشکاری میان جایگاه طرف قوی‌تر و ضعیف‌تر وجود دارد: برای حمایت از اراده طرف ضعیف، قواعدی مانند اصل تفسیر به نفع مصرف‌کننده، باطل‌سازی شروط نمونه ناعادلانه، و حمایت ویژه در موارد تحمیل شرایط با سرعت و پیچیدگی (مثلاً با یک کلیک دیجیتال) تصویب شده است؛

دادگاه‌ها نیز با دقت در تشخیص شرایط اکراه‌شده و واقعی بودن قصد طرفین، از تفاسیر موسع بهره می‌برند. از سوی دیگر، در حوزه قراردادهای هوشمند و خوداجرا، اصول نوینی همچون مسئولیت ویژه برای طراحان الگوریتم، شناسایی نقش نمایندگی هوش مصنوعی و الزام به شفافیت و قابلیت خروج (Opt-out) از قرارداد در حال شکل‌گیری است؛ این مسیر، در صورت تایید مراجع عالی قضایی، می‌تواند مدل بدیعی برای نظام‌های در حال توسعه باشد.

اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا، با رویکردی مبتنی بر تلفیق بازاری واحد و حمایت از حقوق بنیادین انسانی، مجموعه‌ای از مقررات پیشرو برای حفظ و تعدیل اصل آزادی اراده در عصر فناوری اطلاعات تصویب نموده است. دستورالعمل تجارت الکترونیکی (E-Commerce Directive)، دستورالعمل حقوق مصرف‌کننده (Consumer Rights Directive)، مقررات حمایت از داده‌های شخصی (GDPR) و مقررات امضای الکترونیکی (eIDAS) هر یک بنا به نقش خود، تضمین شفافیت اطلاعات، مسئولیت‌پذیری عرضه‌کنندگان خدمات، امکان فسخ برخاسته از مهلت مرور معقول قرارداد را فراهم ساخته‌اند. نوآوری حقوقی اتحادیه اروپا در ایجاد حقوقی چون «حق فسخ مجازی»، «مهلت مرور دیجیتال»، «حق اعتراض و خروج الکترونیکی»، و الزام به تایید مضاعف اراده واقعی، جوهره آزادی اراده در بستر جدید را حفظ و تقویت کرده است. همچنین، هرگاه الگوریتم‌ها یا هوش مصنوعی به عنوان واسطه یا نماینده عمل کنند، اصل شفافیت و قابلیت رد تصمیمات ماشینی، الزام نمایان گردیده است. ممنوعیت شروط ناعادلانه، شفاف‌سازی زنجیره مسئولیت میان پلتفرم، فروشنده و کاربر، ایجاد نهادهای نظارتی فوق‌ملی جهت رسیدگی به شکایات دیجیتال و الزام به آموزش حقوق دیجیتال برای مصرف‌کنندگان، شاهدی روشن‌گر از نگرش چندبعدی و پیشگیرانه اتحادیه اروپا به مسئله آزادی اراده است.

راهکارها و روندهای مشترک تطبیقی

در نگاه تطبیقی، چندین رویکرد کلیدی و مشترک در سطح بین‌المللی برای حفظ و تعدیل اصل آزادی اراده در بستر فناوری‌های نوین قابل شناسایی است:

۱. تدوین مقررات حمایتی ویژه برای قراردادهای الکترونیکی: بسیاری از کشورها و سازمان‌های فراملی، با شناسایی نیازهای خاص محیط دیجیتال، مقررات تکمیلی برای شفاف‌سازی شرایط، حق لغو و بازنگری، بازه زمانی بازپرداخت و الزام به تایید نهایی قرارداد تصویب کرده‌اند تا اراده آزاد، آگاه و مستقل تحقق یابد.
۲. پذیرش و اعتبار اسناد و امضای الکترونیکی: قوانین جدید، انواع امضای الکترونیکی را طبقه‌بندی و ارزش اثباتی هر دسته را تبیین می‌کنند. کشورها ضمن پذیرش امضای پیشرفته و رمزنگاری، شرط‌هایی برای شناسایی هویت واقعی و اصالت طرفین قائل شده‌اند تا اعتبار اراده در فضای مجازی مخدوش نشود.
۳. ضمانت شفافیت و الزام به اطلاع‌رسانی کافی: عرضه‌کنندگان خدمات ملزم شده‌اند پیش از انعقاد قرارداد، کلیه اطلاعات ضروری، خطرات، مخاطر، و پیامدهای حقوقی را به شکلی روشن، مختصر و قابل فهم برای کاربران ارائه دهند. همچنین شروط مخفی و مبهم فاقد اعتبار تلقی می‌گردد.

۴. تشویق به استفاده از شبه‌تشریفات دیجیتال و تایید چندمرحله‌ای (Double Confirmation): در بسیاری از قراردادهای با اهمیت، الزام به تایید مجدد (از طریق ایمیل یا رمزپویا) به منظور احراز قصد واقعی طرفین به کار می‌رود تا ادعاهای اکراه یا اشتباه محدود گردد.
۵. ایجاد دوره‌های مرور یا «مهلت بازاندیشی» (Cooling-off Period): کاربران در بازه زمانی محدودی می‌توانند از عقد انجام شده صرف‌نظر کنند تا اراده غیرقطعی یا شتابزده اصلاح شود. این گزینه در قراردادهای مصرف‌کننده محور رایج‌تر است اما می‌تواند الگوی مناسبی برای حوزه‌های بالادستی نیز گردد.
۶. محدود نمودن اعتبار قراردادهای نمونه و شروط الحاقی شدید (Adhesion Clauses): قوانین جدید، اعتبار شروط نمونه را به شرط رعایت انصاف و منافع مشروع هر دو طرف، و اطلاع‌رسانی کافی الزامی دانسته و تعرض به قواعد آمره و نظم عمومی را، موجب بی‌اعتباری شرط می‌دانند.
۷. توسعه نهادهای نظارتی و حل‌وفصل اختلافات دیجیتال: ایجاد مراکز داوری و میانجیگری آنلاین، امکان طرح سریع دعوی، رسیدگی تخصصی و حمایت موثر از اراده طرفین در سطح بین‌المللی را تسهیل می‌نماید. در کنوانسیون‌های جدید، حل اختلاف داوری و سازوکار رسمی ثبت شکایت الکترونیک، جایگاه ویژه یافته است.
۸. شناسایی نقش و مسئولیت واسطه‌های دیجیتال و الگوریتم‌ها: در قراردادهای هوشمند و معاملات الگوریتمی، مسئولیت تولیدکنندگان کدها، طراحان پلتفرم و حتی توسعه‌دهندگان هوش مصنوعی در مقابل طرف انسانی برجسته شده است تا تضمین اراده واقعی، بر شفافیت فرآیند فنی مقدم گردد. (حسین حیدری ۱۴۰۳)

نقش اسناد فراملی و الگوهای جهانی

در سطح فراملی، تدوین اسناد نمونه تحت نظارت سازمان ملل متحد (UNCITRAL)، کمیسیون اروپا، و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) نقش تعیین‌کننده‌ای در همگرایی استانداردها و رفع خلأهای حمایت از اراده داشته‌اند. اسناد مدل اقتصادی و حقوقی مانند «قانون نمونه تجارت الکترونیکی»، «قانون نمونه امضای الکترونیکی» و توصیه‌نامه‌های مربوط به حقوق مصرف‌کننده دیجیتال، به کشورها امکان داده‌اند ضمن رعایت اقتضائات بومی، از رویکردهای موفق جهانی بهره‌مند شوند. تلاش‌های اخیر برای توسعه "پروتکل‌های شفاف هوشمند" در قراردادهای بلاک‌چین و الزام به ارائه گزینه خروج یا مشاهده کدهای اجرایی، از مصادیق شاخص حمایت از اراده در فضای غیرمتمرکز جدید است.

به طور کلی، نظام‌های حقوقی مطرح جهانی با بهره‌گیری از راهکارهای مشترک و ابتکاری، سعی در ایجاد تعادل میان فرصت‌ها و چالش‌های فناوری اطلاعات و مصون ساختن اصل آزادی اراده از مخاطرات نوظهور دارند. بازنگری مستمر قواعد آمره، انعطاف نسبت به تحولات فنی، تکریم حقوق فردی و نیز تاکید بر شفافیت و انصاف در تمامی مراحل قرارداد، لازمه اصلی حرکت به سوی سامان‌دهی و تقویت آزادی اراده در جهان پرشتاب دیجیتال است. ادغام آموزه‌های تطبیقی و بومی‌ترین تحولات حقوقی، می‌تواند به ارتقای اثربخشی حمایت از اراده آزاد و تکمیل روند گذار از نظام سنتی به عصر قراردادهای هوشمند، شفاف و قابل اعتماد یاری رساند. (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۷)

****جدول ۳: مهم‌ترین راهکارهای حقوقی برای حفظ و تعدیل آزادی اراده در عصر فناوری اطلاعات****

حوزه مداخله	راهکارهای پیشنهادی
شفافیت و اطلاع رسانی	الزام پلتفرم ها به افشای شرایط قرارداد، ارائه خلاصه های قابل فهم، اخذ رضایت آگاهانه با تأیید مضاعف
حمایت از طرف ضعیف/مصرف کننده	وضع دوره انصراف (Cooling-Off)، محدودیت شروط الحاقی ناعادلانه، ضمانت اجرای سوءاستفاده
اثبات اراده و صحت قرارداد	توسعه امضای دیجیتال معتبر، استفاده از فناوری بلاک چین و ثبت رویداد، احراز هویت پیشرفته
حل اختلافات و داوری دیجیتال	ایجاد مراکز داوری برخط، رویه های سازگار با اختلافات میان مرزی، بهره مندی از داوری هوشمند
آموزش و ظرفیت سازی حقوقی	برگزاری کارگاه های حقوق دیجیتال، گسترش سواد حقوقی عمومی و تخصصی، بروزرسانی آموزش دانشگاهی
همهانگ سازی مقررات فراملی	تدوین مقررات جهانی، تصویب کنوانسیون های ویژه تجارت دیجیتال، همکاری نهادهای نظارتی بین المللی

۸. آینده پژوهی: ترسیم چشم انداز اصل آزادی اراده در قراردادهای بین المللی متأثر از فناوری اطلاعات

۸.۱. مقدمه: پیوستگی فناوری و تحول در آزادی اراده

با ورود به عصر هوشمندسازی و اقتصاد دیجیتال، اصل آزادی اراده نه تنها به عنوان یک ارزش بنیادین و کلاسیک حقوق قراردادها، بلکه به عنوان یک ضرورت تطبیقی و پویای حقوق تجارت بین الملل در معرض بازتعریف قرار گرفته است. فناوری هایی نظیر هوش مصنوعی، اینترنت اشیا، زنجیره بلوکی (بلاک چین) و قراردادهای هوشمند، عرصه قراردادهای بین المللی را دستخوش تغییرات ساختاری و ماهوی نموده اند؛ به نحوی که رابطه میان اراده انسانی و فرآیند انعقاد، تفسیر و اجرای قرارداد، پویاتر و پیچیده تر از گذشته می شود. آینده پژوهی در این حوزه مستلزم واکاوی روندهای کلان، پیش بینی سناریوهای حقوقی و ترسیم قواعد نوین برای حمایت از اراده آزاد و آگاه در بستر تحول یافته جهانی است.

۸.۲. تحول مفهوم آزادی اراده با ظهور فناوری های نوین

پیشرفت فناوری، خاصه ادغام هوش مصنوعی و الگوریتم های تصمیم گیرنده در بستر قراردادهای، موجب دو دگرذیسی بنیادین در اصل آزادی اراده شده است: نخست، ورود مفهوم «اراده الگوریتمی» و دگرگونی نقش سوژه انسانی در فرآیند انعقاد و اجرای قراردادها؛ دوم، ملزومات جدید حقوقی و اخلاقی برای تضمین و احراز صحت و اصلت اراده طرفین، در شرایطی که بخش چشمگیری از ارتباطات و تبادل داده ها به واسطه سامانه های خودکار انجام می پذیرد. پرسش های اساسی چون "آیا تصمیم الگوریتمی را می توان به عنوان اراده طرف مقابل تلقی کرد؟"، "مسئولیت ناشی از خطا یا سوءاستفاده الگوریتم برای کدام طرف

است؟" و "چه ساختارهایی اصالت اراده را در قراردادهای کاملاً دیجیتال تضمین می‌کند؟" در آینده شدت بیشتری خواهد یافت و مستلزم تبیین دقیق مقررات پیشرو است.

۸.۳. مطالبه برای وضع مقررات جهانی و هماهنگ

گسترش روزافزون تجارت الکترونیک، ظهور بازارهای جهانی داده‌محور و توسعه قراردادهای خوداجرا، ضرورت استانداردسازی و هماهنگی قوانین حاکم بر آزادی اراده را بیش از پیش مطرح می‌کند. روندهای فراملی چون "قوانین نمونه تجارت الکترونیک آنسیترا"، "دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا"، "معاهدات چندجانبه مالکیت داده" و "پروتکل‌های بلاک‌چین حقوقی" نشان از این دارد که جامعه جهانی در برابر پدیده‌هایی چون تعارض قوانین، تکرار راهبردهای ناکارآمد ملی و فقدان ابزارهای اثباتی شفاف، ناگزیر به سوی وضع قواعد فراگیر، منع سوءاستفاده پلتفرم‌ها، دفاع از آزادی اراده کاربران و پیش‌بینی روال‌های حل اختلاف برخط پیش خواهد رفت. آینده، نیازمند تعریف مرزهای نرم و سخت آزادی اراده در مقیاس جهانی و شناسایی حقوق بنیادین کاربران در شرایط نابرابر اطلاعاتی است.

۸.۴. توسعه مفاهیمی چون اراده الگوریتمی و مسئولیت پلتفرمی

در بسیاری از قراردادهای هوشمند، عنصر تصمیم‌گیری و اجرای شروط به سیستم‌های خودکار واگذار می‌شود. در چنین ساختاری، مرز قائل شدن میان اراده انسانی و "اراده مصنوعی" (Algorithmic Will) مبهم و محل مناقشه است. پیش‌بینی می‌شود نظام‌های حقوقی ناچار شوند برای تضمین آزادی اراده بشر، قواعدی را برای تعیین حدود دخالت انسان، اعلام صریح انتخاب‌ها، اختیار و تو یا مداخله، و ایجاد سازوکارهای خروج اضطراری (Exit Mechanisms) تدوین نمایند. همچنین پلتفرم‌ها به سبب نفوذ بی‌سابقه در روند انعقاد قراردادهای، در آینده در برابر "اصل مسئولیت پلتفرمی" پاسخگو خواهند شد؛ یعنی مسئولیت پلتفرم‌ها در شفاف‌سازی اطلاعات، کنترل سوءاستفاده‌های اطلاعاتی و تسهیل امکان اعمال اراده اصیل. تعریف مدل‌های پاسخگویی جمعی یا بیمه مسئولیت خدمات هوشمند نیز می‌تواند جزو این روندهای آینده‌ساز باشد.

۸.۵. بازطراحی نهادهای نظارتی و اثبات اراده در بستر دیجیتال

با عبور از الگوهای سنتی تدبیر اختلاف و داوری، آینده قراردادهای الکترونیکی مسیر را به سمت "مجالس داوری دیجیتال"، "فضات هوشمند مصنوعی" و "سازوکارهای حل اختلاف فوری برخط" سوق می‌دهد. برای اثبات آزادی و اصالت اراده در بسترهای غیرحضوری، راهکارهایی چون احراز هویت چندلایه، تایید دو مرحله‌ای اراده (Double Confirmation)، ثبت ویدئویی فرآیند ابراز اراده، رمزنگاری غیرقابل انکار و نیز امکان بازبینی و اعتراض به تصمیمات هوشمندانه پیش‌بینی خواهد شد. نقش داده‌های رفتاری (Behavioral Data) و تحلیل‌های مبتنی بر کلان‌داده (Big Data Analytics) در اثبات یا رد اراده واقعی نیز اهمیت مضاعفی خواهد یافت و عملکرد نهادهای نظارتی را متحول خواهد کرد.

۸.۶. ارتقاء آموزش، آگاهی حقوقی و توانمندسازی کاربران

در افق جدید، آموزش حقوقی سنتی کفایت لازم برای آشنایی با حقوق و مسئولیت های فردی و نهادی در فضای دیجیتال را نخواهد داشت. آینده مطالبه گر توسعه رویکرد آموزش حقوق فناوری محور، ارائه کارگاه های تخصصی درباره قراردادهای دیجیتال، حقوق هوش مصنوعی، سواد داده و مهارت های دفاع از اصل آزادی اراده در پلتفرم های نوین است. این آموزش ها می بایست نه فقط در سطح دانشگاه و نهادهای رسمی، بلکه به شیوه فراگیر و عمومی برای کاربران عادی ارائه گردد تا توانایی شناسایی نقاط آسیب پذیر، تصمیم گیری هوشمندانه و استفاده آگاهانه از حقوق قراردادی برای همه فراهم شود.

۸.۷. رواج و تکوین داوری بر خط و داوران هوشمند

افزایش اختلافات ناشی از قراردادهای فناوری محور، ضرورت توسعه نهادهای حل اختلاف انعطاف پذیر و چندزبانه از جمله "داوری آنلاین"، "داوری مبتنی بر بلاک چین" و حتی بهره گیری از ربات های حقوقی برای صدور تصمیمات اولیه را دوجندان می کند. آینده پژوهی نشان می دهد داوری هوشمند، مبتنی بر هوش مصنوعی و یادگیری ماشین، ضمن رعایت شفافیت و عدالت، موجب تسهیل حل اختلافات در مقیاس بین المللی شده و سرعت رسیدگی و کاهش هزینه ها را به ارمغان خواهد آورد. با این حال، حمایت از آزادی و استقلال اراده طرفین، ضرورت نظارت انسانی بر فرایند و جبران خسارت ناشی از خطای هوش مصنوعی همچنان در زمره ملاحظات اساسی باقی خواهد ماند.

۸.۸. الزامات اخلاقی و چالش های آتی

در چشم انداز آینده، تلاقی فناوری اطلاعات و آزادی اراده، پرسش های اخلاقی تازه ای در خصوص شفافیت الگوریتم ها، منع تبعیض داده محور، حریم خصوصی و اصل رضایت آزاد مطرح خواهد ساخت. رصد همیشگی خطرات سوءاستفاده پلتفرم ها از ناآگاهی یا ضعف اراده کاربران، ضرورت شفافیت اطلاعات قابل پردازش، ممنوعیت قراردادن شروط ناعادلانه و الزام به حسابرسی فرآیندهای هوشمندانه به یک مطالبه اساسی بدل می گردد. توازن میان سرعت و سهولت تعاملات دیجیتال از یک سو، و جلوگیری از تمرکز قدرت در دست پلتفرم های غالب و محافظت از حقوق فردی در مقیاس جهانی از سوی دیگر، همچنان به عنوان مهم ترین چالش پیش روی اصل آزادی اراده در هزاره فناوری اطلاعات باقی خواهد ماند.

۸.۹. جمع بندی: پایداری و پویایی آزادی اراده در جهان آینده

آینده قراردادهای بین المللی، بی شک مبتنی بر همزیستی پویای اراده انسانی با فناوری پیشرفته رقم خواهد خورد. اصل آزادی اراده نه تنها تضمین کننده اصالت و مشروعیت روابط قراردادی، بلکه زیربنای اعتماد و امنیت حقوقی در عرصه بازارهای نوین جهانی باقی می ماند. کامیابی در بهره گیری از فرصت ها و مواجهه با تهدیدهای فناوری، مستلزم طراحی قواعد منعطف، آموزش گسترده، حمایت حقوقی و اخلاقی و نوسازی مداوم نهادهای قراردادی و نظارتی است. تنها از این مسیر، می توان پویایی اصل آزادی اراده را در

آینده‌ای پرتحول تضمین نمود و تعاملی سازنده میان انسان و فناوری در حوزه قراردادهای بین‌المللی برقرار ساخت. (وحدتی شبیری و همکاران، ۱۴۰۳)

۹. نتیجه‌گیری و ارائه راهکارهای پیشنهادی

بررسی جامع و تطبیقی اصل آزادی اراده در انعقاد قراردادهای بین‌المللی، به‌ویژه در پرتو شتاب بی‌سابقه تحولات فناوری اطلاعات، به روشنی نشان می‌دهد که این اصل همچنان، با وجود اقتضائات جدید و الزامات جهانی شدن، نقش بنیادین خود را در تأسیس اراده، مشروعیت و اعتبار معاملات تجاری حفظ نموده است. اما چالش‌های نوپدید ناشی از دیجیتالی شدن فرآیندهای قراردادی، ظهور هوش مصنوعی و تسلط پلتفرم‌های آنلاین بر ساختار بازارها، مستلزم بازاندیشی و بازمهندسی مستمر در مبانی نظری، ابزارهای اعمال و سازوکارهای حمایتی آزادی اراده است. در فضای پیچیده و پویای معاملات الکترونیکی و قراردادهای هوشمند، مفاهیمی چون «اراده الگوریتمی»، «رضایت آگاهانه دیجیتال»، «مسئولیت پلتفرمی» و «نقش عامل انسانی در میانجیگری فناوری» حضور پررنگی یافته‌اند که در صورت نبود قواعد شفاف و هماهنگ، می‌توانند به تضعیف بنیادین اصل آزادی اراده بینجامند. بر این اساس، نظام‌های حقوقی مختلف ناگزیر از عبور از رویکردهای سنتی و گذار به سوی معیارهای نوین و منعطف برای تضمین صحت اراده و صیانت از حقوق اساسی اشخاص در بستر اقتصاد دیجیتال هستند.

در این رهگذر، نخستین و مهم‌ترین راهکار، ارتقاء شفافیت فرآیند انعقاد قراردادها از طریق وضع مقررات فنی و حقوقی سخت‌گیرانه‌تر در زمینه اعلام اطلاعات، نحوه اخذ رضایت و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است. ایجاد بانک‌های اطلاعاتی قابل اتکا برای بررسی سوابق طرفین و اعتبارسنجی اشخاص، بهره‌گیری از قراردادهای هوشمند همراه با الزامات «تأیید مضاعف» تصمیمات حساس و امکان بازنگری توسط عامل انسانی در چارچوب‌های استاندارد، اهمیت بسزایی دارد. همچنین، بسترسازی برای آموزش همگانی، ارتقای سواد حقوقی و فناوری کاربران و فراهم‌سازی ابزارهایی برای تشخیص شروط غیرمنصفانه یا تحمیلی، جایگاهی کلیدی در تحقق آزادی اراده آگاه و سالم می‌یابند.

افزون بر این، توسعه و اجرای گسترده امضای دیجیتال و سایر ابزارهای «اثبات اراده» در تراکنش‌های جهانی، باید همگام با تدوین قواعد حمایتی ویژه از گروه‌های آسیب‌پذیر همچون مصرف‌کنندگان، کاربران ناآشنا با فناوری و کسب‌وکارهای کوچک باشد. مسئولیت‌پذیری پلتفرم‌های قرارداد محور در قبال سوءاستفاده‌های احتمالی، پیش‌بینی نهادهای شبه‌داوری سریع و قابل اطمینان در بستر آنلاین، ایجاد مراکز ملی و منطقه‌ای برای رسیدگی به اختلافات الکترونیکی و همچنین تصویب پروتکل‌های بین‌المللی جامع و یکپارچه به منظور تعیین صلاحیت قضایی و رژیم حقوقی حاکم، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. به علاوه، پیچیدگی رو به فزونی الگوریتم‌ها و هوش مصنوعی در مدیریت مذاکرات، ایجاد نهادهای مستقل برای حسابرسی و ممیزی فرآیندهای اطلاعاتی و قراردادی و الزام‌آور ساختن «حق توضیح» و «حق اعتراض» نسبت به تصمیمات خودکار و الگوریتمیک، ضمانت‌هایی عملی و مؤثر برای صیانت از آزادی اراده فراهم خواهد ساخت. آینده‌پژوهی دقیق نشان می‌دهد که استمرار اصالت و پویایی اصل آزادی اراده تنها در صورتی محقق می‌شود که تعامل میان انسان، داده و فناوری به‌طور نظام‌مند مدیریت شود و قواعد حقوقی نوین، هم بر انعطاف اقتضات اقتصادی و فنی و هم بر محوریت «اراده آگاه و آزاد انسانی» پای بشارد.

در نهایت می توان نتیجه گرفت که تضمین آزادی اراده در عصر فناوری اطلاعات نه فقط وظیفه قانون گذاران، بلکه رسالتی مشترک میان جامعه حقوقی، مهندسان فناوری، اقتصاددانان و نهادهای بازار است. شکل دهی به هنجارهای اخلاقی مشترک، به روزرسانی مداوم رویه های قضایی در حوزه قراردادهای دیجیتال و الگوریتمی، حمایت از نهادهای میانجی گر آموزشی و نظارتی و بسط همکاری بین المللی برای تدوین اسناد الزام آور و مترقی، از ارکان اصلی این چشم انداز خواهند بود. این مسیر، ضمن حفظ امنیت و عدالت قراردادی، زمینه ساز تحقق مشارکت عادلانه تر در عرصه جهانی شدن حقوق قراردادها و تحقق توازن میان نظم عمومی فراملی و اصالت آزادی اراده انسان خواهد شد.

منابع

- ابراهیمی، سید نصرالله، عینی. (۱۳۹۷). اصل آزادی قراردادی و محدودیت های آن در قراردادهای بالادستی نفتی بر اساس مدل جامع تفسل (TEFCEL). فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، (۱)۱، ۴۹-۱۱.
- حسین حیدری. (۱۴۰۳). بررسی مسائل حقوقی در زمینه اصل آزادی قراردادها. نشریه علمی مطالعات حقوق و علوم قضایی، ۲(۳)، ۱۳۳-۱۲۵.
- حشمتی، اصغری. (۱۴۰۲). تبیین آزادی اراده در عقد وقف. گفتمان حقوقی، ۳۷(۲۰)، ۶۴-۴۷.
- حقیقت پور، عزیزاللهی، حجت. (۱۴۰۳). اصل آزادی اراده در وقف: بازنگری ظرفیت های فتوایی و تقنینی در راستای توسعه حداکثری. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۷(۱)، ۱۱۹-۱۳۸.
- خمایی زاده. (۱۳۸۵). احاله و اصل آزادی اراده در قراردادها. مجله علمی، ۳(۹).
- خندانی، وحید، عامری نیا، کریمی، قوام، بابایی. (۱۳۹۸). اصل راهبردی حاکمیت اراده در حقوق ایران و انگلیس. تحقیقات حقوقی بین المللی، ۱۲(۴۵)، ۲۳۳-۲۵۸.
- سرخه، حسینی. (۱۴۰۳). واکاوی مبانی فقهی اصل آزادی اراده در نهاد داوری، آثار و احکام آن. کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق، ۱۰(۱۰)، ۲۶۳-۲۵۱.
- سعیدی، میری، کرمی، فرزانه. (۱۴۰۳). ضابطه شناسی جریان خیار شرط در عقود بر اساس اصل حاکمیت اراده. حقوق اسلامی، ۲۲(۸۴)، ۱۴۹-۱۸۲.
- سیمایی صراف، اسفندی سرافراز، جابر. (۱۳۹۶). اصل آزادی اراده و حمایت از مصرف کننده؛ تأملی بر شروط محدودیت و معافیت در حقوق مسئولیت تولید. مطالعات حقوقی، ۹(۱)، ۲۰۵-۲۲۶.
- عراقی، سیدعزت الله، رستگار جویباری، محی الدین. (۱۳۹۴). جستجوی عدالت معاوضی و واقعی، و اراده باطنی در بیع شرط (مطالعه تطبیقی در فقه اسلامی و حقوق معاصر). دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی، ۱(۲)، ۸۵-۱۱۰.
- علی زاده، محمدی، شهابی. (۱۴۰۱). تعدیل قضایی قرارداد با رویکرد بررسی تعارض قضایی با اصل آزادی در تعیین شروط قراردادی در حقوق ایران و انگلیس. ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، ۵(۷)، ۵۶۴-۵۷۶.
- قنوتی، صفری، اسفندیار. (۱۳۹۹). نسبت اصل صحت و فساد با ماده ۱۰ قانون مدنی و اصل آزادی قراردادی. جستارهای فقهی و اصولی، ۶(۱)، ۱۸۱-۲۰۶.

- محمدی، سام، فلاح. (۱۳۹۴). مبانی اخلاقی قاعده آزادی عناوین در فقه و حقوق ایران. پژوهش حقوق خصوصی، ۴(۱۲)، ۱۰۹-۱۲۹.
- محمدی نژاد، غریبه، پاشازاده. (۱۴۰۰). محدودیت های آزادی اراده طرفین در تعیین قانون حاکم بر آیین داوری تجاری بین المللی. مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ۲۴(۱۲)، ۱۳۷-۱۶۹.
- مختاری چهاربری علی، فرح زادی علی اکبر. (۱۳۹۹). تعیین قلمرو اصل آزادی قراردادی در پرتو تئوری حق و حکم.
- مخترع آیدا، شاکری محمدجواد. (۱۴۰۱). محدودیت های حاکم بر آزادی اراده در تقلیل با حق بر دارو (مطالعه موردی بیماری کووید ۱۹).
- مرادی، دکتر یاسر. (۱۴۰۰). گذار قراردادهای بانکی از اصل حاکمیت اراده به قواعد آمره؛ بررسی موردی رای وحدت رویه ۷۹۴ دیوان عالی کشور. مجموعه حقوقی (دیوان عالی کشور)، ۱۱(۱)، ۱۳۷-۱۶۴.
- میری، صابری مجد. (۱۴۰۳). امکان سنجی جریان خیار شرط در قرارداد صرف و سلم در پرتو اصل آزادی اراده. فقه و اصول (Fiqh va uṣūl).
- ناصری، ساحل. (۱۳۹۹). نقش اراده در آزادی قرارداد ها. کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق، ۳(۳)، ۳۹۹-۴۰۵.
- وحدتی شبیری سیدحسن، افضلی مهر مرضیه. (۱۴۰۳). اولویت قوانین حمایتی نظام های حقوقی رومی ژرمنی و کامن لا نسبت به اصل آزادی طرفین در انتخاب قانون حاکم بر قرارداد.